

اتوانوگرافی روش پژوهشی جدید در پرستاری

رضا ضیغمی^۱، سرور پرویزی^۲، نعیمه سید فاطمی^۲

چکیده

مقدمه: اتوانوگرافی از جدیدترین روش‌های پژوهش کیفی است که به تدریج در پرستاری نیز به کار گرفته شده است. با توجه به اهمیت این روش در پرستاری و نبود منابع فارسی، این مطالعه مروری برای روشن سازی و تبیین تعریف‌ها، طبقه‌بندی‌ها، اصول و مبانی مفهومی این روش با استفاده از کتاب‌ها و مقاله‌های معتبر و در دسترس انجام شد.

روش: جستجوی رایانه‌ای در بعضی پایگاه‌های داده از جمله Medline، Scopus، Sciencedirect، Social sciences index، Proquest، و Cinahl با کلید واژگان اتوانوگرافی و پرستاری در بین مقالات منتشر شده، انجام شد. مضمون‌های عمده، موارد توافق و عدم توافق بین متون مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: اتوانوگرافی یکی از زیر شاخه‌های قوم‌نگاری محسوب می‌شود که پژوهش‌گر به توضیح تجربه‌های خود پرداخته است و از تجربه فردی به عنوان منبع داده‌ها سود برده است.

نتیجه‌گیری: اتوانوگرافی روشی بسیار مهم است که می‌تواند نقش به‌سزایی در تولید دانش جدید در پرستاری داشته باشد.

کلید واژه‌ها: اتوانوگرافی، پژوهش کیفی، روش‌شناسی، پرستاری.

تاریخ پذیرش: ۹۰/۸/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۱۰

ارجاع: رضا ضیغمی، سرور پرویزی، نعیمه سید فاطمی. اتوانوگرافی روش پژوهشی جدید در پرستاری. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت ۱۳۹۱؛ ۱ (۱): ۸-۱۴.

مقدمه

عرصه سوق داد. به دلیل گرایش در توجه به خود، نوشتن از خود به عنوان وسیله‌ای برای شناخت توافق و تعامل پژوهش‌گران و مشارکت کنندگان، بیشتر مورد پذیرش قرار گرفته است. واژه‌های مشابه بسیاری برای توصیف استفاده از خود در پژوهش به کار می‌رود که از جمله می‌توان به قوم‌نگاری خودنگارانه (Autobiographical ethnography)، قوم‌نگاری روایتی (Narrative ethnography)، قوم‌نگاری ذاتی (Native ethnography)، قوم‌نگاری بازتابی (Reflexive ethnography)، قوم‌نگاری فراخوان (Evocative ethnography)، و زندگی‌نامه (Reflexive autobiography) (Memoire) اشاره کرد (۳). این مقاله مروری بر متون موجود و در دسترس در زمینه اتوانوگرافی بود که در آن به تعریف، ریشه‌ها، ویژگی‌های

اتوانوگرافی یکی از زیر شاخه‌های قوم‌نگاری محسوب می‌شود و امکان دسترسی به جنبه‌های مهمی از تجربه‌های انسانی را فراهم می‌کند که با سایر روش‌ها امکان‌پذیر نیست. قوم‌نگاری مطالعه الگوها یا روش‌های زندگی گروهی افراد است (۱). در قوم‌نگاری واقعیت اجتماعی از راه تحلیل تجربه‌های "خود" در دنیای "دیگران" بازگو می‌شود. به عبارت دیگر یادداشتهای در عرصه قوم‌نگاری همیشه دیدگاه فرد نسبت به دنیای پیرامون است. بنابراین قوم‌نگاری کاری کاملاً فردی است (۲). در سال‌های اخیر توجه زیادی به این نکته معطوف شد که چگونه قوم‌نگاری پیوند بین پژوهش‌گر و مشارکت‌کنندگان در عرصه است. این نکته قوم‌نگاران را بیشتر و بیشتر به نگارش در مورد چگونگی احساس خود و واکنش نشان دادن به تجربه‌ها، تعاملات و موقعیت خود در

^۱ استادیار، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

^۲ دانشیار، گروه روان‌پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

Email: behsare@gmail.com

نویسنده مسؤول: دکتر رضا ضیغمی

اساسی، مزایا، محدودیت‌ها، انواع، ملاحظات اخلاقی، ارزیابی و نقد و کاربرد اتوانتوگرافی در پرستاری پرداخته شد.

روش

جستجوی رایانه‌ای در بعضی پایگاه‌های داده مانند Medline، Social sciences index، Scopus، Cinahl و Proquest، Psychinfo و پرستاری در بین مقالات منتشره انجام شد. برای افزایش کفایت نمونه‌ها، جستجو با واژه‌های مرتبط نیز انجام گردید. با توجه به جدید بودن موضوع و محدودیت دسترسی به تمام منابع، ۳۲ مقاله در دسترس مورد بررسی قرار گرفت. مضمون‌های عمده، موارد توافق و عدم توافق بین متون مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها

تعریف: اتوانتوگرافی روشی کیفی است که فردیت و خویشتن پژوهش‌گر را به زمینه‌های گسترده‌تر فرهنگی پیوند می‌زند و از این راه پژوهش‌گر با توضیح تجربه‌های خود، دانش را گسترش می‌بخشد (۴). یعنی پژوهش‌گر ابعاد فردی و فرهنگی را به هم پیوند داده، خویشتن فرد را در بافت و زمینه اجتماعی جای می‌دهد. در این روش نوشته‌های فراخوان و یادآور که نویسنده داستان‌های فردی از تجربه‌هایش را در آن با دیگران به اشتراک می‌گذارد، برای درک عمیق نکات و چالش‌های اجتماعی استفاده می‌شود (۵). در اتوانتوگرافی برای کاوش و توضیح چالش‌ها و مطالب مربوط به گستره فرهنگی- اجتماعی، تمرکز پژوهش‌گر بر استفاده از خود به عنوان نقطه آغازین کار دآوری و تحلیل داده‌ها است. شرح و توصیف فردی پژوهش‌گر برای پرسش، توصیف مطالب و چالش‌های اجتماعی استفاده می‌شود و تجربه پژوهش‌گر به عنوان روایتی از خود برای درک مطالب نمایان شده اجتماعی ظاهر می‌شود (۶). در این روش آگاهی پژوهش‌گر حول محور خود می‌چرخد؛ در حالی که متوجه زمینه‌های گسترده‌تری که در آن تجربه‌ها رخ داده‌اند، باقی می‌ماند. نوشتن از خود در متون پژوهشی مرزهای بین خود و دیگران، عینیت و ذهنیت، ادبیات و علوم اجتماعی را کمرنگ می‌کند و کارکردهای مختلفی ایجاد می‌کند (۷). اتوانتوگرافی را «روایتی از خود» هم تعریف کرده‌اند که وضعیت خود با دیگران را در زمینه اجتماعی به نقد می‌کشد (۸). روشی که به وسیله آن اتوانتوگرافی تعریف و به کار گرفته می‌شود،

در پیوستاری که تجربه فردی پژوهش‌گر واژه‌ها را از فرهنگ مورد مطالعه بیرون می‌آورد، متفاوت است. پژوهش‌گران اتوانتوگرافی در تأکید نسبی بر هر یک از این جنبه‌ها با هم تفاوت دارند. یعنی این که این نویسندگان در تأکید بر نوشتار، فرهنگ و خویشتن با هم تفاوت دارند. بنابراین دامنه اتوانتوگرافی از پژوهشی که با تجربه فردی آغاز می‌شود تا مطالعه‌ای که تجربه پژوهش‌گر به موازات مشارکت کنندگان پیش می‌رود، متفاوت است. در همه آن‌ها روایت‌هایی که حاکی از تجربه پژوهش‌گر از اجرای پژوهش است، به عنوان کانون تمرکز پژوهش قرار می‌گیرد.

ریشه‌ها: واژه خودنگاری از ریشه یونانی Auto به معنای خود، Bio به مفهوم زندگی و Grupos به معنای نوشتن گرفته شده است؛ در حالی که Ethnos در اتوانتوگرافی به مفهوم فرهنگ اشاره می‌کند (۹). اولین بار David Hayano این اصطلاح را به کار برد. Robert Park و Nels Anderson در سال‌های اولیه پس از جنگ جهانی اول آثاری خلق کردند که می‌توان آن‌ها را به ریشه‌های اتوانتوگرافی تعبیر نمود (۱۰). اتوانتوگرافی ابتدا در قوم‌نگاری و انسان‌شناسی در پژوهش‌های آموزشی، جامعه‌شناسی و شکل‌هایی از دیدگاه فمینیسم به کار رفت (۳). این روش، بسط و گسترش طبیعی عناصری است که بیشتر در قوم‌نگاری ریشه داشته است. معرفی ضمیر اول شخص در پژوهش را پاسخی پسامردن به نقدهای موجود درباره هویت دانسته‌اند (۱۱). اتوانتوگرافی واکنشی رادیکال به واقع‌گرایی قوم‌نگاری محسوب می‌شود و با کلان نظریه‌سازی (Grand theorizing) و نمای پژوهش عینی که نمونه‌ها را زمینه‌زدایی می‌کند، مخالف است (۷). از سال ۱۹۷۰ گذر از "مشاهدات مشارکت‌کنندگان" به "مشاهده مشارکت‌کنندگان" رخ داد. با این تغییر بیشتر قوم‌نگاران شروع به تمرکز بر روی تجربه‌های خودشان از مشارکت‌کنندگان کردند. از سال ۱۹۸۰ قوم‌نگاران هنجارهای عینیت را مورد پرسش و تردید قرار دادند و شروع به نوشتن درباره خودشان کردند. اتوانتوگرافی با درک این که قوم‌نگاری همیشه تصویر تجربه قوم‌نگار از افراد خاصی در عرصه است، برای خود جایگاهی پیدا کرد (۲) و یکی از روش‌های رایج در پژوهش‌های کیفی شد (۱۲)؛ به گونه‌ای که برخی بر این عقیده‌اند که در حال حاضر تکامل یافته‌ترین شکل قوم‌نگاری تجربی است (۱۳).

ویژگی‌های اساسی: این روش دارای چهار ویژگی کلیدی از جمله کاربرد نوشته‌های در دسترس و قابل فهم فردی، بیرون‌ریزی تجربه‌های پژوهش‌گر و انسانیت به اشتراک گذاشته شده با

اتوانوگرافی بر خلاف برخی برداشت‌ها تنها توصیف صرف خود نیست بلکه دانشی است که در روابط و زمینه‌هایی نمود می‌یابد که پژوهش‌گر در آن عمل می‌کند.

مزایا: مزایای زیادی برای این روش برشمرده شده است. از جمله این که اتوانوگرافی اجازه می‌دهد تجربه فردی دیگر در دنیا، الهام‌بخش خواننده در بازتاب این تجربه‌ها به تجربه‌های خود باشد. این نکته می‌تواند زمینه‌ساز درک دیدگاه دیگران در چگونگی تجربه زندگی و فرهنگ باشد. علاوه بر این با استفاده از روایت اتوانوگرافی پژوهش‌گر به منظور درک بیشتر دیگران در جستجوی درک خود می‌باشد (۱۶).

مزیت دیگر این که مطالعه روی خود، تجربه‌های انسانی را بیشتر و بهتر از مطالعه روی دیگران نمایان می‌کند؛ چرا که موانعی مانند هنجارهای ارتباطی، احساس خجالت، شرم، گناه، کمبود خودآگاهی و عدم اعتماد وجود ندارد (۱۷). علاوه بر این استفاده از نگارش فردی در اتوانوگرافی مسؤلیت و پاسخ‌گویی فردی پژوهش‌گر را می‌افزاید؛ چرا که خود پژوهش‌گر را بیش از استفاده از زبان انتزاعی غیر شخصی مقاله‌های علمی - سنتی، درون متن قرار می‌دهد. اتوانوگرافی ظرفیت توضیحی و تبادل نظر بیشتری برای پژوهش‌گران کیفی و قوم‌نگاری فراهم می‌کند که به پیچیدگی خود و دیگران می‌پردازند.

دور شدن از فاصله نوشته‌های نظری - عینی به جنبه‌های فردی و خلاق پژوهش‌گر به عنوان ابزار رهنمون می‌شود. چنین متن به ظاهر آشفتگی به تبدیل بازتابی نوشته‌های عینی به نوشته‌های ذهنی منجر می‌شود. روایت‌های فراخوان از تجربه‌های پژوهش‌گر غیر قابل مشاهده، صورتک بی‌تفاوت پژوهش‌گر در مقاله‌های رسمی را از صورت او بر می‌دارد. این روش "خود" آن‌ها را کانون توجه مقاله می‌سازد و دیدگاه نویسنده خاموش را به چالش می‌کشد و نظر فرد را به عنوان شکل دیگری از بیان، در پژوهش می‌گنجانند. همچنین معرفت‌شناسی سنتی را درباره این که دانش چه کسی ارزشمند است و دیدگاه چه کسی بیان شود، به چالش می‌کشد (۱۶). نویسندگان اتوانوگرافی با نگارش خویش خود به شکل شخصیت اصلی در آثارشان، دیدگاه‌های مورد قبول درباره نویسنده صامت و ساکت را به چالش کشیده‌اند.

از دیگر مزایای این روش این است که استفاده از زبان ذهنی، احساسات و واکنش‌ها را هم در نویسنده و هم در خواننده زنده می‌کند. بنابراین هر دو را به بازتابی ورای مفهوم تجربه زنده

مشارکت‌کنندگان، کنار نهادن عینیت و در مقابل ارزش‌گذاری ذهنیت و سرانجام ذهنیت مشترک پژوهشگر - مشارکت‌کننده می‌باشد (۳).

نوشته‌های اتوانوگرافی برای نوشته‌های معمولی و استفاده از استعاره، طنز، طعنه و کنایه بیش از نوشته‌های علمی رایج ارزش قایل است، چون توصیف بهتر و کامل‌تری از زندگی ارایه می‌کند (۱۴). این عقیده به ویژه برای پژوهش‌گران تفسیری و انتقادی که علاقه بسیاری به دانش فردی، موضعی و شیوه‌های جایگزین دانش دارند، مطلوب و طنین‌انداز بوده است (۱۵). همچنین بازتاب "گردش روایتی" این قرن است که در آن پژوهش‌گران می‌آموزند چگونه خود را به گونه‌ای متفاوت در نوشته‌هایشان بگنجانند. برخی بر این عقیده‌اند که پژوهش‌های علمی در نوشته‌های یادآور تجربه‌های شخصی برای جمعیت بیشتری قابل فهم است (۳). ضمن این که وقتی پژوهش‌گر داستان خود را بازگو می‌کند، مشارکت‌کنندگان با احساس راحتی بیشتری از تجربه‌های خود صحبت می‌کنند. متون اتوانوگرافی اغلب به شکل اول شخص و یا به شیوه گفت و گو (مکالمه یا گفت و شنود) نوشته می‌شود.

اتوانوگرافی بیان واکنش و شکست خودهای چندگانه در زمینه است که «من» را به «ما» تبدیل می‌کند. پویایی و دیالکتیک ارتباط متن و انسان به عنوان مضمون اتوانوگرافی ظاهر می‌شود. در کار میدانی، نوشته‌ها و انجام اتوانوگرافی متن و انسان بازتعریف می‌شوند و مرزهای آن‌ها کمرنگ می‌شود. جسم زنده یا خود ذهنی پژوهش‌گر به عنوان بخش خارجی فرایند پژوهش شناخته می‌شود و کاربرد اجتماعی - تاریخی پژوهش‌گر واکنشی فراتر از مطالعه جهان اجتماعی از دیدگاه تعامل افراد محسوب می‌شود. اتوانوگرافی از تعامل پژوهش‌گر با محیط حاصل می‌شود. این مسأله این نکته را رد می‌کند که پژوهش‌گر باید نظرات خود را غیر مستقیم و به صورت یادداشت در عرصه بیان کند (۷). نوشته‌های اتوانوگرافی شکست‌ها و بهبودهای خود را در تعامل با دیگران در زمینه تجربه زنده پژوهش شده به تصویر می‌کشد. در تفسیر اتوانوگرافی، خواننده شکست‌ها و بهبودها را در ارتباطات زندگی خود احساس می‌کند. ظرفیت تبدیلی پژوهش‌گر، پژوهش شونده و خواننده هدف اول اتوانوگرافی مؤثر و اثربخش محسوب می‌شود. مقاله‌های اتوانوگرافی می‌تواند تجربه زنده فرد را برای درک بیشتر موارد یا پدیده‌های خاص در دسترس دیگران قرار دهد. اتوانوگرافی پژوهش‌گر را به عنوان نمونه شکل گرفته و قرار داده شده، هم در متن و هم در فرهنگ در کانون توجه قرار می‌دهد.

است برای این روش که پذیرش اتوانتوگرافی به عنوان روشی قابل اعتماد در پژوهش مشکل است (۱۹).

انواع: دو گونه اتوانتوگرافی تحلیلی و فراخوان (روایتی) برای این روش تعریف کرده‌اند. در گونه تحلیلی نویسنده در جستجوی کشف و درک بهتر برخی جنبه‌های وجود خود است که در انتزاع از تکامل مفهومی یا الگوهای نظری، قابل ارتباط و کاربردی است. به عبارت دیگر اتوانتوگرافی تحلیلی مطالعه بر روی خود با تحلیل آشکار است (۲۰). طرفداران گونه تحلیلی بر این باور هستند که هدف اتوانتوگرافی بیشتر بیرون کشیدن معنی از تجربه تا توصیف آن است (۲۱). پنج مؤلفه کلیدی برای اتوانتوگرافی تحلیلی برشمرده شده است. اول این که پژوهش‌گر عضو کاملی از دنیای اجتماعی مورد مطالعه باشد. مؤلفه دوم بازتاب تحلیلی است. یعنی پژوهش‌گر در تمام متن فعال و قابل مشاهده باشد. به عبارت دیگر جایگاه نویسنده در تمام اثر قابل توجه باشد. ویژگی سوم مشاهده روایتی خود پژوهش‌گر است که هدف آن خلق و تعمیم ادراکات نظری فرایندهای اجتماعی محسوب می‌شود. گفت و گو با مشارکت کنندگانی فراتر از خود، مؤلفه بعدی است که در این مرحله، پژوهش‌گر مصاحبه‌های عمیقی با دیگران در رابطه با موضوع پژوهش انجام می‌دهد. آخرین مورد هم تعهد به تحلیل نظری است. یعنی ویژگی‌های تحلیلی مسأله تعریف و تبیین شود (۲۲).

در گونه فراخوان فقط تجربه بدون تحلیل فراخوانی، یادآوری و بیان می‌شود (۱۰). اتوانتوگرافی روایتی شیوه‌ای از داستان‌گویی شبیه داستان کوتاه است که مرزهای علوم اجتماعی و ادبیات را از میان بر می‌دارد. اتوانتوگرافی روایتی تجربه‌های احساسی را شرح می‌دهد و هدف آن ساخت بازآوایی احساسی با خواننده می‌باشد. این گونه بسیار نیازمند فن نویسندگی و شعر است (۸).

ملاحظات اخلاقی: در برنامه‌ریزی برای استفاده از این روش باید نکات اخلاقی مهمی در نظر گرفته شود. اول این که اتوانتوگرافی همیشه افراد دیگری را وارد پژوهش و در نتیجه قابل شناسایی می‌کند که احتمال دارد از این ورود و شناسایی رضایت نداشته باشند (۲۳). بنابراین وارد کردن افرادی غیر از قهرمان داستان در ساختار روایت بسیار مهم است. اگر این کار به فهم بهتر داستان یا نکته اجتماعی مورد اشاره کمک نماید، نویسنده ممکن است تصمیم بگیرد که آن را انجام دهد. وارد کردن دیگران باید با حساسیت ویژه به نکات اخلاقی و گمنامی صورت پذیرد. گاهی اوقات در اتوانتوگرافی لازم است که نویسنده برای محافظت از

انسانی و می‌دارد. نوشته‌های فردی همچنین فرصتی برای بازگویی عقایدی فراهم می‌کند که در قید و بندهای نوشته‌های سنتی دانشگاهی و پژوهش اسیر هستند. اتوانتوگرافی در مقابل شکل‌های غالب بیان می‌ایستد و پژوهش‌گرانی را که به موضوع زمان تبدیل نمی‌شوند حاشیه‌نشین می‌کند. به علاوه به پذیرش تفاوت‌هایی که به عنوان تعلق نداشتن به این همانی متداول در نظر گرفته می‌شود، کمک می‌کند. اتوانتوگرافی نوشته‌ای نیست که منظورش خواندن منفعلانه باشد بلکه خواننده را درگیر می‌کند و برای تجربه احساسات به دنبال او می‌رود (۱۸).

محدودیت‌ها: اتوانتوگرافی نیز همانند سایر روش‌های پژوهش محدودیت‌هایی دارد. اول این که چون "خود" پژوهش‌گر را به کار می‌گیرد، نیازمند مهارت و کیفیت خاصی است. آمادگی برای نوشتن و انتشار روایت‌های خودنگارانه نیازمند این است که نویسنده شهادت کافی برای بیان آن چه که به طور معمول خصوصی محسوب می‌شود، داشته باشد. این شکل از پژوهش مخاطره آمیز به نظر می‌رسد؛ چرا که نیاز به خود افشایی و صداقت ویژه‌ای دارد که ممکن است برای پژوهش‌گر نامطلوب و دشوار باشد. روایت از خود ممکن است برای خوانندگانی که خواندن مطلب باعث ایجاد احساس ناخوشایند شناسایی یا کسب بینش در مورد بخشی از وجودشان شود، نیز تهدیدآمیز جلوه کند.

علاوه بر این اتوانتوگرافی نیازمند این است که پژوهش‌گر داوطلبانه به تجربه‌هایش بپردازد، تجربه‌ها و احساسات قبلی را به خاطر آورد و توانایی بازتاب و واکنشی فراتر از رویه معمول به آن‌ها داشته باشد و آن‌ها را به شیوه‌ای فراخوانانه بیان کند. نوشتار فراخوان برای گنجانیدن عکس، هنر و شعر به عنوان زبان بیان نیازمند ذوق و خلاقیت نویسنده است و اراده‌ای را برای کاوش در فراسوی نوشته‌های علمی - سنتی می‌طلبد که این ممکن است برای برخی چالش برانگیز باشد. پژوهش‌گر باید بداند که نوشتن درباره خود ممکن است محدودیت‌هایی در مورد درک و فهم دیگران ایجاد کند. اتوانتوگرافی به عنوان نوعی تفسیر به ما اجازه نمی‌دهد که به طور کامل زندگی درونی دیگران را درک کنیم؛ چرا که فقط تفسیری از آن‌ها است.

ضمن این که نباید از نظر دور داشت که پژوهش‌گر اتوانتوگراف به خاطر انتقادات و کنار زدن‌هایی که از سوی سنت‌گرایان نسبت به او اعمال می‌شود، باید انعطاف‌پذیری، پشتکار، استقامت و باوری قوی نسبت به ارزش‌های این روش داشته باشد. این نیز خود محدودیتی

چرا که آن‌ها تجربه فردی را کانون توجه و تمرکز پژوهش خود قرار داده‌اند. "خودمداری" و محدود شدن پژوهش به آن چه که "من" می‌توانم در مورد "خودم" صحبت کنم از دیگر انتقادهای وارد به این روش است. تصمیم برای نگارش و طرح تجربه‌های شخصی را به عنوان هوایما ربایی نویسنده و حرکت برای دور شدن از تجربه‌های مشارکت کنندگان نیز تعبیر کرده‌اند (۳). از نظر نقدگرایی، روایت خود نوعی ذهنیت افراطی و شکلی از خود‌هدیانی تلقی می‌شود که به ندرت به نتیجه خود که همانا ژرف‌کاوی باشد ختم می‌گردد (۲۶). به علاوه کاربرد نوشته‌های تجربی در اتوانتوگرافی به عنوان روشی غیر علمی و نامربوط به واقعیت نیز مورد بحث و مجادله قرار گرفته است (۲۷). نوشته‌های خود نگارانه که اغلب دیدگاه غالب را به چالش می‌کشد، ممکن است شورش‌گر و طغیان‌گر در نظر گرفته شود؛ چرا که عقیده‌ای را که پیشتر به عنوان دیدگاه سنتی پذیرفته شده است، به مبارزه می‌طلبند.

کاربرد به عنوان روشی در پرستاری: در پرستاری از تمام ظرفیت‌های اتوانتوگرافی به عنوان یک روش پژوهشی استفاده نشده است. مروری بر مطالعات نشان می‌دهد که استفاده معدودی از آن در پرستاری به عمل آمده است که در مهم‌ترین آن‌ها White تجربه‌های خود از درد خوش خیم پشت (۲۸)، Muncey حاملگی دوره نوجوانی (۲۹)، Halley تجربه طلاق مادر و سوء استفاده جنسی در دوره کودکی (۳۰)، Schneider تجربه داشتن فرزند اسکیزوفرن (۳۱) و Foster تجربه فرزند بیمار روانی بودن را (۴) با این روش شرح داده‌اند. اتوانتوگرافی روشی بسیار مهم است که می‌تواند نقش به‌سزایی در تولید دانش جدید در پرستاری داشته باشد و به نظر می‌رسد در پرستاری بهداشت روان و روان‌پرستاری بیش از سایر حوزه‌های پرستاری کاربرد داشته باشد. اتوانتوگرافی را می‌توان روشی شکوفا شده در روان‌پرستاری نامید (۳).

نتیجه‌گیری

اتوانتوگرافی از تجربه فردی پژوهش‌گر به عنوان منبع داده‌ها سود می‌برد و بیش از گزارش صرف خود محسوب می‌شود (۳۲). با فرایند بازتابی، نویسنده قادر است روایت محیطی را از چند دیدگاه ببیند که نتیجه آن رسیدن به درکی کامل‌تر از تجربه‌های انسانی است (۳۳). ارتباط بین خود، دیگران و فرهنگ در این روش بیان می‌شود. نویسندگان بسیاری آن را روشی جدید در علوم اجتماعی می‌دانند که در پرستاری و به ویژه روان‌پرستاری نیز جایگاهی برای خود یافته است.

دیگران از اسم مستعار برای آن‌ها بهره‌گیرند. این مسأله باعث اعتبار نویسنده و شناسایی و انتشار اثر او می‌شود.

در استفاده از اتوانتوگرافی در پژوهشی که مشارکت کنندگان دیگری نیز لحاظ می‌شوند، ضروری است که نویسنده تعادلی بین تجربه‌های خود و تجربه‌های مشارکت‌کنندگان ایجاد کند؛ به گونه‌ای که نوشته‌های او انحصاری نشود یا روایت‌های دیگر مشارکت کنندگان را تحت‌الشعاع قرار ندهد. با توجه به ملاحظات اخلاقی گفته شده Ellis عقیده دارد که نویسنده باید برای تصمیم‌گیری در مورد اثر، فواید احتمالی حاصل از کار را با مضرات احتمالی آن برای خودش و دیگران بسنجد (۲۴). در این موارد نویسنده باید برای حفاظت از دیگران همانند حفاظت از خودش شرایط را مدیریت کند.

ارزیابی: در ارزیابی نخست باید اثر خوب پرورنده شده باشد و بتواند نظر منتقدان ادبی و علوم اجتماعی را جلب کند. نوشته متوسط و پیش پا افتاده، توان این را ندارد که خواننده را تحت تأثیر قرار دهد و او را به جایی ببرد که برای نگریستن به عقب از ورای جایگاه هویت فردی خود برانگیخته شود. دوم باید به لحاظ احساسی، برانگیزاننده و بازتاب نقادانه تعامل اجتماعی-سیاسی خود باشد. اتوانتوگرافی می‌کوشد سبک و زبان ارتباطی را برای خلق گفتمان هدفمند بین نویسنده و خواننده به کار گیرد. این گفتمان از راه شناخت نزدیک و فردی از شباهت‌ها و تفاوت‌های بین تجربه‌های نویسنده و خواننده تداوم می‌یابد.

اتوانتوگرافی خوب فقط داستانی اعترافی از خود نیست، بلکه بافته‌ای در هم تنیده و تحریک‌کننده از داستان و نظریه است. خواننده یک مقاله اتوانتوگرافی باید به لحاظ احساسی و انتقادی مسیر خاصی را طی کند. این حرکت بدون هنر نویسندگی، منطق قانع‌کننده و توصیف ژرف فردی و فرهنگی رخ نمی‌دهد (۷). به طور خلاصه معیارهای ارزیابی اتوانتوگرافی استحکام محتوایی، استحکام و شایستگی هنری، بازتابی بودن، اثر گذاری احساسی و بیان واقعیت است (۲۵).

نقد منتقدان: پیدایش اتوانتوگرافی یا روایت خویش در علوم اجتماعی مورد مجادله قرار گرفته است. موقعیت آن به عنوان شکل موجه و مقبولی از پژوهش، در بحث‌های غالب سنتی بسا اثبات‌گرایی عینی یکی از این مجادله‌ها به شمار می‌آید (۱). نقدهای بسیاری بر پژوهش‌گران اتوانتوگرافی از جمله بیان خودشیفتگی، جذب در خود، بزرگ‌نمایی و افراط مطرح شده است؛

References

1. Speziale HJS, Carpenter DR. *Qualitative Research in Nursing*. 4th ed. Philadelphia, PA: Lippincott Williams & Wilkins; 2007.
2. Berger L. Inside Out: Narrative Autoethnography as a Path Toward Rapport. *Qualitative Inquiry* 2001; 7(4): 504-18.
3. Atkinson P. Rescuing Autoethnography. *JCE* 2006; 35(4): 400-4.
4. Foster K, McAllister M, O'Brien L. Coming to Autoethnography: A Mental Health Nurse's Experience. *IJQM* 2005; 4(4): 2-13.
5. Foster K, McAllister M, O'Brien L. Extending the boundaries: autoethnography as an emergent method in mental health nursing research. *Int J Ment Health Nurs* 2006; 15(1): 44-53.
6. Sparkes AC. Autoethnography and Narratives of Self: Reflections on Criteria in Action. *SSJ* 2012; 17(1): 21-43.
7. Gaitán A. Exploring Alternative Forms of Writing Ethnography. *Qualitative Social Research* 2000; 1(3): 31-40.
8. Spry T. Performing Autoethnography: An Embodied Methodological Praxis. *Qualitative Inquiry* 2001; 7(6): 706-32.
9. Pelias RJ. The Academic Tourist: An Autoethnography. *Qualitative Inquiry* 2003; 9(3): 369-73.
10. Anderson L. Analytic Autoethnography. *Journal of Contemporary Ethnography* 2006; 35(4): 373-95.
11. Maguire MH. Autoethnography: Answerability/Responsibility in Authoring Self and Others in the Social Sciences/Humanities. *Qualitative Social Research* 2006; 7(2): 11-20.
12. Gannon S. The (Im)Possibilities of Writing the Self-Writing: French Poststructural Theory and Autoethnography. *Cultural Studies <=> Critical Methodologies* 2006; 6(4): 474-95.
13. Clough PT. Comments on Setting Criteria for Experimental Writing. *Qualitative Inquiry* 2000; 6(2): 278-91.
14. Foley DE. Critical ethnography: the reflexive turn. *International Journal of Qualitative Studies in Education* 2002; 15(4): 469-90.
15. Abma TA. Emerging narrative forms of knowledge representation in the health sciences: two texts in a postmodern context. *Qual Health Res* 2002; 12(1): 5-27.
16. Hunt SA, Junco NR. Introduction to Two Thematic Issues. *JCE* 2006; 35(4): 371-2.
17. Vryan KD. Expanding Analytic Autoethnography and Enhancing Its Potential. *JCE* 2006; 35(4): 405-9.
18. Denzin NK, Lincoln Y, Rolling JR JH. Special Issue on Autoethnography, Critical Race Theory, and Performance Studies. *Qualitative Inquiry* 2006; 12(2): 427-9.
19. Holt NL. Representation, legitimation, and autoethnography: An autoethnographic writing story. *IJQM* 2003; 2(2): 1-22.
20. Denzin NK. Analytic Autoethnography, or Déjà Vu all Over Again. *JCE* 2006; 35(4): 419-28.
21. Medford K. Caught With a Fake ID Ethical Questions About Slippage in Autoethnography. *Qualitative Inquiry* 2006; 12(5): 853-64.
22. Ellis CS, Bochner AP. Analyzing Analytic Autoethnography. *JCE* 2006; 35(4): 429-49.
23. Morse JM. Writing My Own Experience. *Qualitative Health Research*, Volume 12 (9): 1159 2002; 12(9): 1159-60.
24. Ellis C. *The ethnographic I: a methodological novel about autoethnography*. Lanham, Maryland: Rowman Altamira; 2004.
25. Denshire S. In praise of auto-ethnography. *Australian Occupational Therapy Journal* 2006; 53(4): 346-7.
26. Boufoy-Bastick B. Auto-Interviewing, Auto-Ethnography and Critical Incident Methodology for Eliciting Self-Conceptualised Worldview. *Qualitative Social Research* 2004; 5(1): 37-45.
27. Borochowitz DY. Teaching a qualitative research seminar on sensitive issues: an autoethnography. *Qualitative Social Work* 2005; 4(3): 347-62.
28. White S. Autoethnography - An appropriate methodology? *Qualitative Research Journal* 2003; 3(2): 22-32.
29. Muncey T. Doing autoethnography. *IJQM* 2005; 4(3): 23-31.
30. Halley J. To Speak of My Mother. *Qualitative Inquiry* 2003; 9(1): 49-56.
31. Schneider B. Mothers talk about their children with schizophrenia: a performance autoethnography. *J Psychiatr Ment Health Nurs* 2005; 12(3): 333-40.
32. Karra N, Phillips N. Researching ``Back Home``: International Management Research as Autoethnography. *ORM* 2008; 11(3): 541-61.
33. Ellis C. Heartful Autoethnography. *Qual Health Res* 1999; 9(5): 669-83.

Autoethnography: A New Research Method in Nursing

Reza Zeighami¹, Sorur Parvizi², Naiemeh Seyed Fatemi²

Received date: 1.9.2011

Accept date: 3.11.2011

Abstract

Introduction: Autoethnography is one of the most modern methods of qualitative research. It has been used gradually in nursing research. While this method is important in nursing, there are not enough Persian manuscripts. Therefore, this study was performed to review previous researches in order to clarify and describe definitions, classifications, principles and conceptual bases of autoethnography. Persian and foreign articles and books were used in this review study.

Method: Keywords of "autoethnography" and "nursing" were searched in Cumulative Index to Nursing and Allied Health Literature (CINAHL), ProQuest, PsycINFO, Social Sciences Index, ScienceDirect, Scopus, and Medline databases. Articles from each of these databases were examined to identify major themes, as well as areas of agreement and disagreement across disciplines.

Results: Autoethnography is a subgroup of ethnography. In this method, the researcher explores personal experiences as the sources of data.

Conclusion: Autoethnography is a major method in nursing research that can develop new knowledge.

Keywords: Autoethnography, Qualitative research, Methodology, Nursing.

Citation: Zeighami R, Parvizi S, Seyed Fatemi N. Autoethnography: A New Research Method in Nursing. Journal of Qualitative Research in Health Sciences 2012; 1(1): 8-14.

1. Assistant Professor, Department of Nursing, School of Nursing and Midwifery, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran.
2. Associate Professor, Department of Psychiatric Nursing, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences Tehran, Iran.

Corresponding Author: Reza Zeighami PhD, Email: behsare@gmail.com